

بررسی اعجاز اخلاقی قرآن

حجت‌الاسلام دکتر محمد جواد اسکندارلو* (عضو هیئت علمی جامعه المصطفیٰ ع العالمیه)

حجت‌الاسلام اکبر محمودی* (کارشناسی ارشد تفسیر اثری)

چکیده

اعجاز اخلاقی قرآن، یکی از ابعاد اعجاز قرآن است که نخست علامه مجلسی، سپس علامه بلاغی بدان اشاره کرده‌است. این مقاله بر آن است که می‌توان ادعا کرد آیاتی در حوزه علم اخلاق در قرآن کریم آمده که اعجاز این کتاب الهی را نشان می‌دهد. اعجاز اخلاقی قرآن را باید در سه حوزه جستجو کرد:
- اعجاز در گزاره‌های اخلاقی جامع قرآن؛
- اعجاز در نظام اخلاقی قرآن که با مبانی و اصول آموزه‌های خاص خود از دیگر نظام‌های اخلاقی برتر است؛
- اعجاز در زمینه تأثیر تاریخی قرآن در ایجاد انقلاب اخلاقی در جامعه صدر اسلام و مخاطبان خود.

نویسنده در ادامه، با اشاره به مصادیق اعجاز اخلاقی قرآن از قبیل فضایل اخلاقی پسندیده، معرفی الگوهای اخلاقی برتر برای جهانیان، رعایت عفت کلام در باین مسائل جنسی و ... آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. البته طرح نظریه اعجاز اخلاقی قرآن نیازمند پژوهش است.

واژه‌های اصلی: قرآن، اعجاز، اخلاق، اعجاز اخلاقی.

درآمد

بحث از اعجاز علمی قرآن و ابعاد آن، دارای شاخه های زیادی است که یکی از بحثهای مهم آن در حوزه تفسیر میان رشته‌ای اخلاق و قرآن، نمود پیدا کرده است. آیا خداوند در آیه های قرآن کریم، به نظام اخلاقی و مطالب اعجاز آمیز اخلاقی اشاره نموده و در صورت اشاره، آیا مطالبی که در قرآن کریم بیان شده، واقعاً اعجاز است یا خیر؟ این مسائل در این نوشتار بررسی می شود.

پیشینه

در مورد اعجاز اخلاقی قرآن، هیچ کتاب، پایان نامه، مقاله یا پروژه تحقیقاتی مستقلی یافت نشد. آری علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) در بحارالانوار به اعجاز اخلاقی قرآن اشاره کرده است. (مجلسی، بحارالانوار، ۲۲۶/۱۷) علامه محمدجواد بلاغی نجفی (م ۱۳۵۲ق)، در مقدمه تفسیر آلاء الرحمن، به معنای اعجاز، اعجاز بودن قرآن، تحریف ناپذیری قرآن و وجوه اعجاز پرداخته است. وی در بخش وجوه اعجاز به چند مورد از ابعاد اعجاز می پردازد که عبارتند از: اعجاز بلاغی، اعجاز مقید نبودن به زمان و مکان خاص، اعجاز منزه بودن از تناقض در ساختار درونی، اعجاز ترسیم جامعه براساس عدالت، اعجاز اخلاقی. علامه بلاغی در مورد اعجاز اخلاقی قرآن، بر این باور است که این اعجاز بر فرد تأثیرگذار است؛ چراکه قرآن کتاب اخلاقی و آموزشی است که انسان را به سوی کمال و سعادت راهنمایی می کند. (بلاغی نجفی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، مقدمه)

۱. معنانشناسی

الف: اعجاز

برای واژه «اعجاز» در لغت، معنای فراوانی ذکر گردیده است که مهم ترین آنها عبارتند از: فوت و از دست دادن، ناتوان یافتن و ناتوان نمودن. (قرشی، قاموس قرآن، ۲۹۳/۴؛ طریحی رمّاحی، مجمع البحرین، ۱۱۶۷/۲؛ فراهیدی، ترتیب کتاب العین، ۱۱۴۳/۲؛ فیومی مقری، المصباح المنیر، ۳۹۳-۳۹۴)

برخی از صاحب نظران گفته اند که معنای اصلی «عجّز» همان «تأخّر» است ولی چون افراد ضعیف و ناتوان معمولاً متأخّر از دیگران و به دنبال آنان می باشند، این لغت مترادف با ضعف استعمال می گردد. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۵۴۷)

اما در تعریف اصطلاحی اعجاز، گفته شده است که اعجاز کاری است که پیامبران برگزیده الهی که مدعی منصب نبوت از جانب خداوندند، ارائه می‌نمایند به طوری که خرق نوامیس طبیعی نموده، دیگران از آوردن آن ناتوان باشند تا دلیلی بر راست بودن ادعای آنان باشد. (خویی، البیان، ۳۳؛ بلاغی نجفی، آلاء الرحمن، ۳؛ طریحی رمّاحی، مجمع البحرین، ۱۱۶۸/۲)

ب: اخلاق

واژه «اخلاق»، جمع «خُلُق»، بر وزن قُفْل و عُتُق، است و در لغت به معنای عادت، طبع، مروت، دین، سیما و سیره درونی انسان گفته می‌شود (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۲۹۷؛ قرشی، قاموس قرآن، ۲/۲۹۳؛ فیومی مقری، المصباح المنیر، ۱۸۰؛ جوهری، الصحاح، ۱۴۷۱/۴) و در اصطلاح اهل فن، بر دو مقوله اطلاق می‌شود:

اول: مجموعه‌ای از خواها و صفت‌های خوب، مانند: عدالت، تواضع، اعتماد بر خداوند، بردباری، خوشبینی، خیرخواهی، راستی، امانتداری، راضی بودن به رضای خداوند، خوش اخلاقی، قناعت، صلّه رحم، شجاعت، انصاف و ...

ب) خواها و صفت‌های بد، مانند: تکبر، خودبینی، خودستایی، ستمکاری، بی‌اعتمادی به خداوند، بی‌صبری، بدبینی، بدخواهی، نادرستی، ترس، حسد و رزی، اسراف، تبذیر، بی‌انصافی، کینه و رزی، آزار پدر و مادر، عیب جوئی، خبر چینی، تملق‌گرایی، بخل و رزی، ریاکاری، بی‌غیرتی، ناسپاسی، خیانت، خشمگینی، حرص و رزی، طمع و رزی، چشم‌چرانی و ... (امینی، همه باید بدانند، ۱۵۱؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن، ۳۵۸/۲)

دوم) دانشی که به بیان خواها و صفت‌های بد و خوب نفس انسان و راه‌های رسیدن نفس به خواها و صفت‌های نیکو و پاک شدن آن از خواها و صفت‌های بد می‌پردازد. (نراقی، معراج السعاده، ۳۲-۳۳؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ۳۶۰/۲)

پژوهش‌های مربوط به اخلاق، به طور معمول، در چهار گروه، رده‌بندی می‌شوند:

۱- «اخلاقیات» که به اخلاق توصیفی هم شناخته می‌شود و در آن، براساس شیوه تاریخی و جامعه‌شناسی به بیان ارزش‌های اخلاقی جامعه ویژه می‌پردازند. (ویلیام کی، فلسفه اخلاق، ترجمه انشاء الله رحمتی، ۲۵)

۲- «فلسفه اخلاق» که در میان دانشمندان مسلمان، فیلسوفانی مانند فارابی و ابن مسکویه به آن پرداخته‌اند.

(Becker, Lawrence and Beker charlotte, *Ethical Theories in Islsm*, p61-151)

درباره مسائل این شاخه، توافقی وجود ندارد؛ ولی گاهی حوزه آن را از بحث پیش فرض‌های اخلاق گرفته تا مباحث معناشناسی، معرفت‌شناسی و معیار اخلاق گسترده می‌دانند.

۳- «علم اخلاق» که به شکل و سامان دهی فضایل و رذایل و عمل‌های نیکو و زشت در حالت کلی می‌پردازد. علم اخلاق به طور معمول، بر اساس شناخت معیار اخلاقی صورت می‌گیرد و از این جهت، وامدار فلسفه اخلاق است. در علم اخلاق با تطبیق معیار اخلاقی بر ملکه‌های نفسانی مانند شجاعت، عفت، ترس، آز یا بر افعال کلی مانند وفای به وعده، راست گویی، دروغ گویی و وعده‌شکنی فهرستی از فضیلت‌ها و رذیلت‌ها یا به تعبیر دیگر، منجیات (وصف‌های نجات بخش) و ملهکات (وصف‌های تباہ کننده) (تعبیر از محمد غزالی است) به دست می‌آید، از این رو گاهی به آن «اخلاق کاربردی» نیز می‌گویند. (Fakhry, Majid, *Encyclopedia of Ethics*, p80)

۴- «اخلاق تربیتی» که به چگونگی دریافتن فضایل و پرهیز از رذایل روحی و عملی می‌پردازد. آسیب‌شناسی اخلاقی از وظیفه‌های این شاخه از پژوهش‌های اخلاقی به شمار می‌رود. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ۳۶۰/۲)

ج: اعجاز علمی

مقصود از «اعجاز علمی قرآن»، دو چیز می‌تواند باشد:

- رازگویی علمی، بدین معنی که قرآن کریم، مطالبی بیان کند به گونه ای که مدت‌ها بعد، آن مطلب علمی به وسیله دانشمندان کشف شود.

- اخبار غیبی، بدین معنی که قرآن کریم در مورد وقوع حادثه‌های طبیعی و جریان‌های تاریخی که در هنگام نزول آیه، کسی از آن آگاهی نداشته و در کتاب‌های آسمانی پیشین از آن خبر داده نشده، دیدگاهی را ارائه نماید. (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۹۴/۱)

د: اعجاز اخلاقی

اعجاز علمی در حوزه علوم انسانی از جمله اخلاق می‌تواند به یکی از سه صورت زیر باشد: اول) گزاره‌های علمی که حاوی اخبار غیبی است که قبل از قرآن کسی نگفته و بعد از قرآن درستی آن کشف شده باشد. در اینجا مقصود مطالب اخلاقی و اخبار اخلاقی است که در قرآن آمده و در مراکز علمی و کتب آسمانی قبلی سابقه نداشته است. ولی صحت آن گزاره‌ها در عصر ما ثابت شده است؛

دوم) تأثیر و نقش قرآن در تحوّل علمی جامعه صدر اسلام که به صورت اعجاز آمیزی به انجام رسیده است. و در خصوص اخلاق همان تحوّل اخلاقی است که در جامعه صدر اسلام به واسطه قرآن ایجاد شد و جامعه عرب را که با اخلاقیات زشت و پست خو گرفته بود به جامعه‌ای ایثارگر، راست کردار و با کرامت تبدیل کرد؛

سوم: استنباط نظام علمی از قرآن و اثبات برتری آن بر نظام‌های بشری. در حوزه اخلاق، قرآن کریم دارای مبانی، اصول، قواعد و آموزه‌های اخلاقی است که نظام متعالی اخلاقی آن را تشکیل می‌دهد و در مقایسه با نظام‌های اخلاقی معاصر از جهات مختلف برتری آن قابل اثبات است. (ر.ک: رضایی اصفهانی، مقاله مفهوم‌شناسی اعجاز علمی قرآن و چالش‌های آن، مجله قرآن و علم، ش ۷، زمستان ۱۳۸۹ش)

۲. نمونه‌ها و مثال‌ها

الف: بیان جوامع اخلاقی در آیات

در قرآن کریم برخی آیات وجود داد که حکمت‌ها و اصول اخلاقی را در خود جمع کرده است و تا ابد سرمشق بشریت است:

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾؛ (اعراف/۱۹۹)، «عفو (و مدارا پیش) گیر و به (کار) پسندیده فرمان ده و از نادانان روی گردان».

حکمت‌های قرآن در سوره اسراء

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُنَبِّئُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ

بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ
مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا وَكُلَّ
إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا أَفْرَأَ كِتَابَكَ كَفَى
بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا
تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا
مُتْرَفِيهَا فَفَسَدُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ
وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ
ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ
مَحْظُورًا انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْصِيلًا لَا تَجْعَلْ مَعَ
اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقَعَّدَ مَذْمُومًا مَخْذُولًا وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِنَّمَا
يُنلِّغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُمَّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا
وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي
نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُورًا وَآتَ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ
السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا إِنْ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا وَإِنَّمَا
تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى
عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقَعَّدَ مَلُومًا مَحْسُورًا إِنْ رَبُّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ
إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ
كَانَ خَطْنًا كَبِيرًا وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَى إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ
إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مُظْلَمًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا وَلَا
تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنْ الْعَهْدُ كَانَ مَسْئُولًا
وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ
لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ كُلُّهُ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ
لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ذَلِكَ مِمَّا
أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا؛

(اسراء/ ۳۹-۹)، «در حقیقت، این قرآن، بدان (شیوه‌ای) که آن پایدارتر است، راه‌نمایی می‌کند؛ و به مؤمنانی که [کارهای] شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداش بزرگی است و این که کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، عذاب دردناکی برای آنان آماده ساخته‌ایم و انسان بدی را می‌طلبد، همان‌گونه که نیکی را می‌طلبد؛ و انسان شتاب‌زده است و شب و روز را دو نشانه (ی خدا) قرار دادیم؛ و نشانه‌ی شب را محو کردیم، و نشانه‌ی روز را روشنی‌بخش گردانیدیم؛ تا بخششی را از پروردگارتان بجویید، و تا عدد سال‌ها و حساب را بدانید؛ و هر چیزی را به تفصیل شرح دادیم و هر انسانی فال (نیک و بد و عمل) او را برگردنش بسته‌ایم و روز رستاخیز، نامه (ی اعمالی) برای او بیرون می‌آوریم که آن را گشوده می‌یابد (و به او گفته می‌شود): نامه‌ات را بخوان! امروز، حسابرسی خودت برایت کافی است هر کس راه یابد، پس فقط به نفع خودش راه می‌یابد و هر کس گمراه شود، پس فقط به زیان خود گمراه می‌شود؛ و هیچ باربرداری بار سنگین (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد؛ و (ما) عذاب‌کننده (کسی) نیستیم، تا این که فرستاده‌ای برانگیزیم و هر گاه بخواهیم که (مردم) آبادی‌ای را هلاک کنیم، به سردمداران ثروتمندش فرمان می‌دهیم و [لی] در آن جا نافرمانی می‌کنند، پس آن گفتار (= وعده عذاب) بر آن (مردم) تحقق یابد، و آن (شهر) را کاملاً درهم می‌کوبیم و چه بسیار گروه‌هایی که بعد از نوح هلاک کردیم! و آگاهی [و] بینایی پروردگارت به پیامدهای (گناهان) بندگانش کافی است هر کس همواره (فقط دنیای) زودگذر را می‌خواهد، آنچه را می‌خواهیم به هر کس اراده کنیم در این (دنیا)، به او شتابان می‌دهیم؛ سپس جهنم را برای او قرار می‌دهیم؛ در حالی که نکوهیده و رانده شده در آن وارد می‌شود (و می‌سوزد) و هر کس آخرت را بخواهد، و برای آن کاملاً کوشش‌اش را بنماید، در حالی که او مؤمن باشد، پس آنان تلاششان سپاس‌گزاری خواهد شد همه را، این (گروه) و آن (گروه) را، از بخشش پروردگارت، امداد می‌دهیم؛ و بخشش پروردگارت (از کسی) منع نشده است بنگر چگونه برخی آنان را بر برخی [دیگر] برتری دادیم؛ و حتماً رتبه‌های آخرت بزرگ‌تر و برتری (آن) بیش‌تر است هیچ معبود دیگری را با خدا قرار مده، تا [این که] نکوهیده [و] بی‌یاور بنشیند و پروردگارت فرمان قطعی داده که جز او را نپرستید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید؛ اگر یکی از آن دو، یا هر دو نزد تو به [سن] پیری برسند، پس به

آن دو «أف» (= کوچک‌ترین سخن اهانت‌آمیز) نگو؛ و آن دو را با پرخاش نران؛ و به آن دو سخنی ارجمند بگو و از سر مهر بال فروتنی برای آن دو فرو آور؛ و بگو: «پروردگارا! آن دو را رحمت کن، همان‌گونه که مرا در خُردی پرورش دادند.» پروردگارتان به آنچه در دل‌های شماست، داناتر است؛ اگر شایسته باشید، پس حتماً او برای توبه‌کاران بسیار آمرزنده است و حق نزدیکان و بینوا و در راه مانده را به او بده؛ و با اسرافکاری، (اموال خود را) تلف مکن؛ [چرا] که اسراف‌کاران و تلف‌کنندگان (اموال) برادران شیاطین‌اند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود و اگر به خاطر به دست آوردن رحمتی از جانب پروردگارت، که بدان امید داری، از آن (نیازمند) ان روی می‌گردانی، پس به آنان سخنی ملاطفت‌آمیز بگویی و دستت را بسته شده به گردنت قرار نده، (و ترک بخشش نکن) و آن (دستانت را برای بخشش) به طور کامل نگشا، تا سرزنش شده [و] درمانده بنشینی در حقیقت، پروردگارت روزی را برای هر کس که بخواهد (و شایسته بداند) گسترده می‌سازد و تنگ می‌گرداند؛ [چرا] که او نسبت به بندگانش، آگاه [و] بیناست و فرزندان‌تان را از ترس فقر، نکشید؛ ما آنان و شما را روزی می‌دهیم؛ [چرا] که کشتن آنان گناه بزرگی است! و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری و بدراهی است. و شخصی را که خدا (خونش را) حرام کرده، جز به حق نگشاید و هر کس که مظلومانه گُشته‌شده، پس برای سرپرستش تسلطی (بر قصاص) قرار دادیم؛ و [الی] در قتل زیاده‌روی نکند؛ [چرا] که او یاری شده (ی خدا) است و به ثروت یتیم نزدیک نشوید، جز به آن (روشی) که آن نکوتر است، تا به حدّ رشدش برسد؛ و به پیمان (خود) وفا کنید؛ [چرا] که پیمان مورد پرسش قرار می‌گیرد و هنگامی که پیمان می‌کنید، پیمان را کامل آدا نمایید، و با ترازوی راست (و درست) وزن کنید؛ این بهتر، و فرجام (ش) نیکوتر است و از آنچه هیچ علمی بدان نداری، پیروی مکن؛ [چرا] که شنوائی و دیده و دل (سوزان)، همگی آنها از آن پرسیده می‌شوند و در زمین، با سرمستی و تکبر راه نرو؛ [چرا] که تو زمین را نمی‌شکافی، و در بلندی به کوه‌ها نمی‌رسی همه این [ها] گناهِش نزد پروردگارت ناخوشایند است این [ها]، از آن فرزاندگی [های] است که پروردگارت به سوی تو وحی کرده است؛ و هیچ معبود دیگری را با خدا قرار مده؛ که سرزنش شده [و] ارانده شده، در جهنم افکنده شوی».

ویژگی های عباد رحمان از دیدگاه قرآن

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُؤْا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾؛ (فرقان / ۶۳-۷۶)، «بندگان (خاص خدای) گسترده مهر، کسانی هستند که فروتنانه بر زمین راه می‌روند و هنگامی که نادانان ایشان را مخاطب سازند، به آنان سلام (خداحافظی) گویند؛ و کسانی که سجده کنان و (به نماز) ایستاده برای پروردگارشان شب زنده‌داری می‌کنند؛ و کسانی که می‌گویند: «ای پروردگار ما! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش ملازم دایمی است. در حقیقت، آن (جهنم)، بد قرارگاه و منزلگاهی است.» و کسانی که هرگاه (اموال خود را در راه خدا) مصرف می‌کنند، زیاده‌روی نمی‌کنند و تنگ نمی‌گیرند و (انفاق آنان روشی) معتدل بین آن [دو] است؛ و کسانی که معبود دیگری را با خدا (بعنوان پرستش) نمی‌خوانند و شخصی را که خدا (کشتن او را) حرام کرده است، جز به حق، نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هر کس این (کارها) را انجام دهد، [کیفر] گناه را خواهد دید. در روز رستاخیز عذاب برای او دو (یا چند) برابر می‌شود و در آن (عذاب) به خواری مانند‌گار خواهد شد! مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند؛ پس آنان، خدا بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. و هر کسی که توبه کند و [کار] شایسته انجام دهد، پس در حقیقت او به سوی خدا کاملاً بازمی‌گردد. و کسانی که به باطل گواهی نمی‌دهند (و در مجالس باطل حاضر نمی‌شوند) و هنگامی که

بر بیهوده بگذرند، بزرگوارانه بگذرند و کسانی که هرگاه به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، بر آنها (هم چون) ناشنویان و نابینایان در نمی افتند و کسانی که می گویند: «ای پروردگار ما! از همسران ما و نسل ما به ما روشنی چشمان ببخش و ما را پیشوای خود نگه داران قرار ده.» آنان به خاطر شکیبایی شان، با جایگاه های (بلند بهشتی) پاداش داده می شوند؛ و در آن جا، با زنده باد و سلام روبه رو می شوند؛ در حالی که در آن جا ماندگارند؛ (و آن جا) نیکو قرارگاه و منزلگاهی است!.

ب: معرفی بهترین الگوهای اخلاقی برای جهانیان

خداوند در برخی از آیه های اخلاقی قرآن کریم، الگوهایی را برای انسان ها معرفی می کند که از هر جهت بی نظیرند. در این گونه از آیات، روش قرآن این است که دیگر انسان ها از این الگوها درس بگیرند و مانند آنها عمل کنند.

قرآن در آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ (احزاب/ ۲۱)، می فرماید: «به یقین، برای شما در (روش) فرستاده ی
خدا، (الگویی برای) پیروی نیکوست! برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و
خدا را بسیار یاد می کنند».

خداوند در این آیه، پیامبر خودش را که برترین موجود پس از خود می باشد، برای
دیگر انسان ها الگو معرفی می نماید. باید به این نکته توجه نمود که معرفی چنین الگویی،
پیش از قرآن و پس از آن در تاریخ ثبت نشده است و این خود دلیل بر اعجاز قرآن در
زمینه معرفی الگوی برتر در حوزه اخلاق است، همچنانکه خود خداوند در آیه «وَإِنَّكَ
لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ (قلم/ ۴) می فرماید: «و مسلماً تو بر شیوه (اخلاقی) بزرگوارانه ای هستی».

ج: رعایت بالاترین سطح عفت گفتاری در بیان مسائل جنسی

قرآن در بیان برخی از مسائل جنسی خصوصاً آنجا که به رابطه های جنسی دلالت دارد
به گونه ای مطلب را بیان داشته است که موجب شگفتی هر خواننده و شنونده ای می شود.
به طور مثال، خداوند در آیه «وَرَأَوْدَتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَعَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ
هَيْتَ لَكَ»؛ (یوسف/ ۲۳) فرمود: «و آن [زنی] که او (= یوسف) در خانه اش بود، از وجودش
تمنای کامجویی کرد و همه درها را محکم بست و گفت: بیا (که من آماده) برای توأم!».

خداوند در این آیه، به درخواست همسر عزیز مصر از یوسف برای رابطه نامشروع، می‌پردازد. پروردگار در این آیه توانسته است با تعبیر «هیت لک» چنان درخواست زشت و ناپسند زلیخا از یوسف را مطرح کند که هر انسانی به اخلاقی بودن این تعبیر و فصاحت و شیوایی بیان و رعایت همه جوانب، اعتراف می‌کند.

همچنین خداوند در آیه «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ إِنَّكُمْ لَأْتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ»؛ (اعراف/ ۸۰- ۸۱) «از زبان لوط پیامبر می‌فرماید: «او (یاد کن) لوط را، هنگامی که به قومش گفت: «آیا [کاری] زشت را مرتکب می‌شوید، در حالی که هیچ یک از جهانیان، در آن (کار) بر شما پیشی نگرفته است؟! در واقع شما از روی شهوت، به غیر از زنان به سراغ مردان می‌روید؟!».

همچنان که پروردگار از زبان لوط پیامبر، در آیه «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ أَنْتُمْ لَأْتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ»؛ (نمل/ ۵۴- ۵۵)، فرمود: «و یاد کن لوط را، هنگامی که به قومش گفت: «آیا [عمل] زشت (ی) را مرتکب می‌شوید، در حالی که شما (نتایج شوم آن را) می‌بینید؟! آیا واقعاً شما از روی شهوت، به غیر از زنان، به سراغ مردان می‌روید؟!»

مثال دیگر آن که خداوند در آیه «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأْتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ أَمْ تَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ»؛ (عنکبوت/ ۲۸-۲۹) از زبان لوط پیامبر می‌فرماید: «و (یاد کن) لوط را هنگامی که به قومش گفت: «قطعاً، شما [عمل] زشت (ی) را مرتکب می‌شوید که هیچ یک از جهانیان در آن (کار) بر شما پیشی نگرفته است! آیا واقعاً، شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در محفلتان [کار] ناپسند انجام می‌دهید؟!» و پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر از راست گویانی، عذاب خدا را برای ما بیاور.»

در این چند آیه پروردگار از زبان لوط به کار زشت لواط و همجنس‌بازی مردان قوم لوط اشاره می‌کند. با دقت در چگونگی تعبیر این آیات، دریافت می‌شود که چگونه خداوند با بهترین تعبیر در غالب برترین واژه‌ها، توانسته بدترین و زشت‌ترین عمل را برای مخاطب ترسیم کند تا هم آن عمل زشت را بیان کرده باشد و هم عفت در گفتار و اخلاق را به انسان‌ها بیاموزد، تا انساها نیز در هنگام بیان چنین مسائلی این ادب قرآنی را به کار گیرند.

د: اخبار قرآن از صفات انسان‌ها

خداوند در برخی از آیه های اخلاقی قرآن به بیان طبیعت انسان اشاره می کند. پروردگار در آیه «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ»؛ (انبیاء/۲۱)، می فرماید: «انسان از عجله آفریده شده؛ به زودی نشانه‌هایم را به شما می نمایانم؛ پس، (از من) شتاب نخواهید».

همچنین خداوند در آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا»؛ (معارج/۱۹) فرموده است: «در حقیقت، انسان آزمند و کم‌طاقت آفریده شده است».

در این دست از آیات اخلاقی قرآن کریم، خداوند به برخی از سرشت‌های ذاتی انسان اشاره می کند که نوعی رازگویی قرآن در حوزه صفات اخلاقی است.

ه: خبردهی از اخلاق نیک گذشتگان

قرآن بسیاری از پیامبران و صالحان را یاد کرده است و گذشته از اخلاق مشترک میان آنها، برخی را به صفت‌های ویژه ستوده است.

به عنوان نمونه، خداوند حضرت ابراهیم را به امور ذیل توصیف می کند: تسلیم خدا بودن (بقره/۱۳۱)؛ مطیع خداوند بودن (نحل/۱۲۰)؛ حق‌گرا بودن (نحل/۱۲۳)؛ شکرگذار نعمت‌های خداوندی بودن (نحل/۱۲۱)؛ بسیار راستگو بودن (مریم/۴۱)؛ خداترس و بردبار بودن (توبه/۱۱۴) و وفادار به پیمان بودن (نجم/۳۷).

و نوح را به بنده شکرگذار بودن (اسراء/۳) و ادریس را به بسیار راستگو بودن (مریم/۵۶) و هود را به خیرخواه و امین بودن (اعراف/۶۸) و اسماعیل را به بردباری (انبیاء/۸۵؛ صافات/۱۰۲) و راستگو بودن در وعده‌ها (مریم/۵۴) و یوسف را به اخلاص در بندگی (یوسف/۲۳-۲۴) و ایوب را به بردبار و بسیار بازگردنده بودن (ص/۱۷) و موسی را به مخلص بودن (مریم/۵۱) و داود را به بسیار بازگردنده بودن (ص/۱۷) و عیسی را به نیکی به مادرش (مریم/۳۲) ستایش کرده است.

بیان این صفات اخلاقی گذشتگان در قرآن، نوعی رازگویی تاریخی قرآن در حوزه اخلاق به شمار می آید که در صورت عدم اطلاع مخاطبان، اعجاز علمی به شمار می آید.

و: اعجاز در خبردهی از اخلاق بد گذشتگان

خداوند در قرآن کریم، در برخی از آیه‌های خود، انحراف‌های اخلاقی و صفت‌های ناپسند برخی از اقوام دوران گذشته را این گونه ذکر می‌کند:

فسق و ستم و طغیان قوم نوح، (ذاریات/۴۶؛ نجم/۵۲)؛
نسبت‌های ناروا و خلاف اخلاق، سفاقت و دورغ به هود از سوی قوم عاد، (اعراف/۶۶)؛
پیمان شکنی و سرکشی از فرمان پروردگار و پی کردن شتر از سوی قوم صالح نمود، (اعراف/۷۴-۷۷)؛

محاجه به ناحق قوم ابراهیم با وی درباره توحید، (بقره/۲۵۸)؛
فحشا و کارهای ناشایست قوم لوط (اعراف/۸۰ - ۸۱)؛
کم فروشی و فساد و جلوگیری از راه خدا به همراه ایجاد جوّ وحشت از سوی قوم شعیب مدین، (شعراء/۱۸۱-۱۸۳؛ اعراف/۸۶)؛

و بیش از همه خداوند در قرآن کریم به انحراف‌های اخلاقی یهودیان اشاره کرده است. برخی از این اوصاف عبارتند از: کشتن پیامبران و آمران به معروف، (آل عمران/۲۱)؛ شکستن حرمت روز تعطیل شنبه، (بقره/۶۵؛ نساء/۴۷ و ۱۵۴؛ اعراف/۱۶۳؛ نحل/۱۲۴) پیمان شکنی، (مائده/۱۳)؛ توطئه کشتن عیسی مسیح، (آل عمران/۵۴)؛ اختیال (خرامندگی و فخر فروشی) بخل، کتمان داده‌های خداوند و تظاهر به نداری، (نساء/۳۶-۳۷)؛ تحریف آیه‌های الهی و به کار بردن جمله‌های غیر اخلاقی مانند: «سمعنا و عصینا» (نساء/۴۶).
بسیاری از این موارد نیز جزء اخبار غیبی قرآن در حوزه اخلاق به شمار می‌آید که اگر مخاطبان از آن اطلاع نداشته باشند نوعی اعجاز علمی به شمار می‌آید.

ز: تصویرسازی اعجاز آمیز در بیان ناپسند بودن رذایل اخلاقی

خداوند در برخی از آیاتی که در جایگاه بیان و توضیح پلیدی یک خوی ناپسند است، چنان مطلب را بیان می‌دارد که انسان با مطالعه آن پی به اعجاز این گونه مطالب می‌برد.

به عنوان مثال، خداوند در آیه «وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ»؛ (حجرات/۱۲)، می‌فرماید: «و برخی از شما برخی [دیگر] را غیبت نکند. آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟! پس آن را ناخوش می‌دارید؛ و خودتان را از [عذاب] خدا حفظ کنید».

خداوند در این آیه، غیبت کردن از دیگری را به عنوان خوردن گوشت بردار وی تلقی نموده است؛ چیزی که پیش از این در هیچ یک از نگاهشده‌ها و آموزه‌های اخلاقی، چه در کتاب‌های آسمانی و چه در کتاب‌های بشری، نیامده است. خوردن گوشت یک انسان، بویژه وقتی که آن، برادر دینی انسان باشند، از بزرگ‌ترین گناهان است و هر انسان با انصاف و با وجدانی به ناپسند بودن آن اذعان دارد، به همین دلیل پروردگار در این آیه، برای اینکه میزان ناپسند بودن غیبت را به مخاطب برساند، غیبت کردن را به خوردن گوشت کسی که از وی غیبت می‌شود، تشبیه کرده است. از این دست آیات در قرآن فراوان مشاهده می‌شود و این شیوه تنها مخصوص قرآن است و کسی در این شیوه از آن پیشی نگرفته است و این خود دلیل بر اعجاز این آیه در مورد نکوهیده بودن یک صفت ناپسند است.

خداوند در آیه: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ﴾؛ (حدید/۲۰)، می‌فرماید «بدانید که زندگی دنیا بازی و سرگرمی و زیور و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است؛ همانند مثال بارانی که گیاهانش کشاورزان را به شگفت آورد، سپس خشک می‌گردد، پس آن را زرد می‌بینی، سپس درهم شکسته می‌شود؛ و در آخرت عذابی شدید و آمرزشی از جانب خدا و خشنودی (او) است و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست».

در این آیه، خداوند دنیا و دنیاپرستی را به گونه‌ای برای مخاطب ترسیم می‌کند که هر شخصی با دیدن این تصویر، شگفت زده می‌شود. در این آیه، مال‌اندوزی و دنیا محوری به بارانی تشبیه شده است که زمانی که بیارد، موجب محصول دادن بسیار عالی کشتزارها و باغ‌ها می‌شود و کشاورزان از دیدن آن‌ها خوشنود می‌شوند ولی ناگهان همه محصول‌ها خشک شده و از بین می‌روند و به هیچ تبدیل می‌شوند. مال دنیا و چیزهایی که به دنیا تعلق دارد، در صورتی که در راهش مصرف نشود، همین گونه‌اند، انسان ابتدا از دیدن آن خوشحال می‌شود و به جمع‌آوری آن می‌پردازد و حلال را از حرام جدا نمی‌کند ولی ناگهان همه آنچه را که جمع کرده است به هیچ تبدیل می‌شود.

ح: تصویرسازی اعجاز آمیز در بیان پسندیده بودن فضایل اخلاقی

خداوند در بعضی از آیه های قرآن نیز به گونه ای، پسندیده بودن یک صفت و خوی نیکو را بیان می دارد که ناچار، اعتراف به اعجاز قرآن در این زمینه می نماید.

به عنوان نمونه، پروردگار در آیه «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»؛ (بقره/۲۶)، می فرماید: «مثال گسانی که اموالشان را در راه خدا مصرف می کنند، همانند مثال دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد؛ و خدا [آن را] برای هر کس بخواهد دو [یا چند] برابر می کند».

خداوند در این آیه از قرآن کریم، برای بهتر فهمیدن آثار و برکت های انفاق، مثالی را ذکر میکند که مخصوص خود قرآن کریم است و در جای دیگری پیش و پس از آن پیدا نمی شود. در این آیه، انفاق به دانه بذری تشبیه شده است که زمانی که در دل زمین کاشته شود، هفت سنبله می رویاند که در هر سنبله، حدود ۱۰۰ دانه دیگر است. این تشبیه می خواهد به انسان بگوید که از یک دانه، حدود ۷۰۰ دانه می توان برداشت کرد و انفاق و صدقه دادن و کار خیر نمودن نیز همین گونه است. اگر انسان می خواهد به خیر این جهان و آن جهان برسد و به یک تجارت سودمند دست پیدا کند، باید یک قدم بردارد تا خداوند صدها برابر برای او جبران نماید.

چنانچه به ظرافت تعبیر و شیوایی عبارت پردازی این آیه و تمثیل آن، عنایت شود، به اعجاز این آیه از قرآن در بیان پسندیده بودن صفت انفاق و کار خیر، پی برده می شود.

ط: تأثیر قرآن در مخاطبان از صدر اسلام تا کنون

قرآن کریم در موارد متعددی تأثیرات عجیبی بر مخاطبان گذاشته و گاهی انقلاب اخلاقی ایجاد کرده است. این موارد گاهی فردی و گاهی اجتماعی بوده است. ذکر نمونه های تاریخی آن از حوصله این نوشتار خارج است.

ی: نظام اخلاقی قرآن برترین نظامها

نظام اخلاقی قرآن دارای مبانی انسان شناسی، جهان شناسی و معرفت شناسی خاص خود است و اصول و قواعدی مخصوص دارد. آموزه های اخلاقی قرآن توحید محور و جامعه محور است یعنی به همه ابعاد وجودی انسان، دنیا و آخرت وی نظر دارد که می توان برتری آن را بر نظام های اخلاق بشری اثبات کرد. بررسی نظام اخلاقی قرآن و مقایسه آن با نظام های دیگر نیازمند تحقیق ویژه ای است.

نتیجه گیری

اعجاز اخلاقی قرآن کریم یکی از ابعاد اعجاز قرآن است که در آثار علامه مجلسی و علامه بلاغی بدان اشاره شده بود و نمونه‌های متعددی از آن را می‌توان در اخبار غیبی - اخلاقی، نظام اخلاقی قرآن و تأثیر اخلاقی قرآن در مخاطبان یافت، هر چند که طرح این مسأله در آغاز راه است و نیاز به کاوش بیش‌تری دارد.

منابع

۱. امینی، ابراهیم، همه باید بدانند، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹ش، بیست و یکم.
 ۲. بلاغی نجفی، محمدجواد (م ۱۳۵۲ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۲۰ق، یکم.
 ۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق، ۱۹۹۰م، چهارم.
 ۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (م ۴۲۵ق)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تحقیق عدنان داوودی، دارالقلم، دمشق، الدار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ق، ۱۹۹۲م، یکم.
 ۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، مبین، رشت، ۱۳۸۲ش، چهارم.
 ۶. طریحی رمّاحی، فخرالدین بن محمدعلی (م ۱۰۸ق)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۵ق، یکم.
 ۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (م ۱۷۵ق)، ترتیب کتاب العین، انتشارات اسوه، قم، ۱۴۱۴ق، یکم.
 ۸. فیومی مقری، احمد بن محمد (م ۷۷۰ق)، المصباح المنیر، دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ق، یکم.
 ۹. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۲ش، ششم.
 ۱۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ۱۹۸۳م، سوم.
 ۱۱. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ش، یکم.
 ۱۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (م ۱۳۷۱ش)، البیان فی تفسیر القرآن، انوار الهدی، قم، ۱۴۰۱ق، ۱۹۸۱م، هشتم.
 ۱۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعاده، مؤسسه انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۶ش، چهارم.
 ۱۴. ویلیام کی، فرانکنا، فلسفه اخلاق، ترجمه انشاء الله رحمتی، حکمت، تهران، ۱۳۸۰ش، یکم.
15. Becker, Lawrence and Beker charlotte, Encyclopedia of Ethics, London: New York: Routledge, 2001, Second.
16. Fakhry, Majid, Ethical Theories in Islsm, Lieden: Brill, 1991, first.